

بقلم آقای علی اکبر تشید مدیر مجله تاریخ اسلام

فوائد نماز در دنیا

نماز رکن عبادات است و با قبول آن سایر عبادات قبول می شود و با رد آن سایر عبادات قطعاً مردود است - و هیچ عبادت و هیچ قسم انفاق که در لسان عوام الناس جاری و ساری است نمی تواند قائم مقام نماز بشود .

نماز در همین عالم آثاری دارد که هیچ یک از اقدامات مجدانه و بکار بردن وسایل مختلفه مهمه نمی تواند آن آثار را داشته باشد و ما برای جوانان و نوباوگان تازه بتکلیف رسیده حکایات کوتاه و قصص مثبت این نظریه را بطور خلاصه که متمایل طباع هم باشد در مجله درج می نمائیم بلکه مورد استفاده و تنبیه فرزندان عزیز واقع گردد .

حکایت اول : پشوح مردی بود که پستانهایش مانند دو پستان زنان و در صورت هم موئی نداشت و از این حال سوء استفاده کرده در حمام زنانه مشغول خدمت و تنظیف بود و بحدی زنها او را دوست میداشتند که نهایت نداشت و هدایای قابلی برای او فرستاده و در خانه های خود او را جهت مشاطه گری دعوت میکردند و از این راه دارای ثروت زیادی شده بود و اعمالش هم از حدود تماس دادن بدن خود با بدن بانوان و معاشرت با آنان تجاوز نکرده و بهمین جهت سرش مخفی و مستور مانده بود - اما در اثر غفلت از خدا کلیه عبادات را ترك کرده و در عیش و نوش کذائی وقت خود را میگذراند - تا اینکه یکروز بدعوت دختر شاه برای خدمت او بحمام رفته و اتفاقاً

یکی از جواهرات پر قیمت دختر شاه مفقود شد و امر کردند که در حمام را بسته و کلید حاضرین در حمام را بازرسی نمایند ، نصح که در بازرسی سرش فاش میشد بگوشه‌ای خزید و از حرکات شنیع خود توبه کرد و بدر گاه قاضی الحاجات از سوز دل نالید که آبرو و خوش بهدر نرود در این موقع بازرسی زنان دیگر تمام شده و خدمه درباری نصح را میطلبیدند که تفتیش نمایند و همینکه باو نزدیک شده بودند صدائی از خارج خلوتگاه بلند شد که جواهر پیدا شد و دیگر کسی مزاحم نصح نشد - اما نصح که سرش مکتوم مانده و کشف نشد فوراً خود را از حمام بخارج انداخته و اول آنچه را که از این افعال محرمه کسب کرده بود بین فقرا و محتاجین تقسیم نموده و سپس از شهر فرار کرده و در مغاره کوهی منزل گرفت و دائماً مشغول نماز واقعی بود و بد گیاهان صحرا جهت تغذیه قناعت میکرد و رفته رفته بین مردم معروف و شهرتش بجائی رسید که سلطان وقت بملاقات او رفت و با اصرار دختر خود را باو داد و بفاصله مدت کمی هم شاه وفات کرده و چون اولاد ن کورنداشت مردم نصح را در مسند امارت و سلطنت مستقر کردند .

نصح بر توبه خود گروفا کرد خدا از لطف او را پادشاه کرد
 این حکایت واقعی با شرح و بسط بیشتری در بعضی کتب دیده شده که ما تلخیص کردیم و این همان شخص است که توبه و عبادتش در بین ملل مختلفه ضرب المثل است و قرآن مجید هم مراتب را تأیید فرموده است آید شریفه هشتم از سوره تحریم یا ایها الذین آمنوا توبوا الی الله توباً نصحاً

حکایت دوم : در تألیفات مرحوم نراقی است که مرد فقیر و گرسنه و برهنه‌ای در یک گذرگاه اتفاقی دختر پادشاه وقت را دید و عاشق او شد گرسنگی و برهنگی را فراموش کرد و بهر کس میرسید سر خود را فاش میکرد و دوستان و آشنایان خندیده و او را استهزاء مینمودند ولی عاشق بیچاره بملامت و استهزاء آنان توجهی نداشت و در

عشق سوزان خود ثابت قدم بود تا اینکه او را بشخص عالمی برای چاره جوئی هدایت کردند و شاید مقصودشان استهزاء و شوخی بود اما آن عالم ربانی نسخه منحصر بفرد شفای درد او را داده و بطریق عمل و ادارش کرد و آن دستورنوش داروی اشتغال دائمی بنماز بود .

عاشق دلسوخته مسجد خرابه‌ای یافته و بر حسب دستور مشغول نماز شد روز و شب دقیقه‌ای از ادای نماز باز نمی‌ایستاد چه حکیم الهی شفای او را منوط بنماز دانسته بود . چندی نگذشت که معروف خاص و عام شد و مردم هدایائی برای او آورده و دائماً برای ملاقات او اصرار می‌ورزیدند . قضیه بعرض سلطان وقت رسید و طالب ملاقات او شد و درباریان چاپلوس نتوانستند عابد را بملاقات شاه ببرند و ناچار بملاقات عابد کذائی رفت و شاید تعارفات معموله نیز از طرف عابد بعمل نیامد ولی حمل بر بی‌اعتنائی نشد و گفتند آداب معاشرت باشاهان را نمیدانند اما باتمام این احوال شاه کاملاً شیفته او شده بوزیر خود دستور داد که عابد را برای دامادی شاه آماده نماید . ولی عابد کی قبول میکند و میگوید که من وقت اینکارها را ندارم و فقط باید نماز بخوانم . وزیر سیاس و دیپلوماسی که در موقع اقتضاء مایلیمت را از حد میگذرانند با تطمیع و تهدید عابد را ناچار بقبول کرد . مجلس عروسی برپا شد و دختر پادشاه را هفت قلم (هفت قلم اصطلاح آرایش قدیم است که حالا توالی شده) آراسته و بین بانوان درجه اول کشور بحجله زفاف آورده و تسلیم عابد تارك دنیا کردند . عابد عاشق دلسوخته بمجرد مشاهده این موقعیت که تصویر آنرا در عالم رؤیا نمیکرد فوراً از حجله خارج شد و خواست بمسجد خود برود وزراء و ارکان دولت جلو او را گرفتند و گفتند که این ساعت چه وقت خروج از حجله است چه رویه شما توهین بشاهزاده خانم و موجب غضب شاه خواهد شد . عابد گفت هیچگونه قصد توهینی در بین نیست و فوراً مراجعت خواهم کرد بالاخره با اصرار که برای چه مهم ضروری در چنین موقع از دربار خارج میشود . گفت

میخواهم بهمان مسجد خرابه خود رفته و دور کعت نماز راست بخوانم و بعد از نعمت خدا داده خود استفاده نمایم - زیرا تا بحال تمام نمازهای من دروغ و گستردن دام برای صید این شهباز بلند پرواز بوده حال که نماز دروغ این اندازه اثر دارد بگذارید بروم و دور کعت نماز راست بخوانم و شکرانه این نعمت را در همان محل دروغ پردازی بجا آورم

مجله تاریخ اسلام - خداوند از عبادات بندگانش بسی نیاز است و نماز و سایر عبادات را وسیله استفاضه ما قرار داده ملاحظه فرمائید که نماز چه آثاری دارد - آیا اگر سلطانی با چند لشکر مجهز بکشور پدر دختر برای این مقصود حمله میکرد می توانست بدین سهولت با مراد خود هم آغوش شود که نماز دروغ راه آنرا برای شخص گرسنه و برهنه صاف کرد و نتیجه را تأمین کرد - البته خیر زیرا اگر پدر و دختر میل نداشتند سلطان مهاجم باید آنکشور را بگوید و ارتش و افراد آنرا قلع و قمع نماید تا بدختر دست یابد تازه ممکن بود دختر بافناهی کشور و ملت خودش باز دواج مهاجم تن در نداده و انتحار بکنند و یا در صورت تسلیم در اولین موقع مقتضی شوهر اجباری را نابود نماید - این فروض برفرض غلبه مهاجم بر کشور پدر دختر است و امکان داشته شکست بخورد که در این صورت خسر دنیا و الاخره و ذلک هو الخسران المبین . پس چرا ما نباید از این موهبت عظمای الهی لایتنهایی استفاده کرده و تمام اوقات گرانبها را هباء و هدر نموده و چند دقیقه وقت خود را صرف نماز ننمائیم .

نماز حافظ دین و مانع معصیت است .

نماز موجب آبرو و احترام در بین مردم است .

آقایان محصلین و محصلات - نماز وسیله قبول شدن در امتحانات نهائی است

و از انتحار جلوگیری میکند - آقایان اداری ها - نماز بهترین وسیله نیل بمقامات

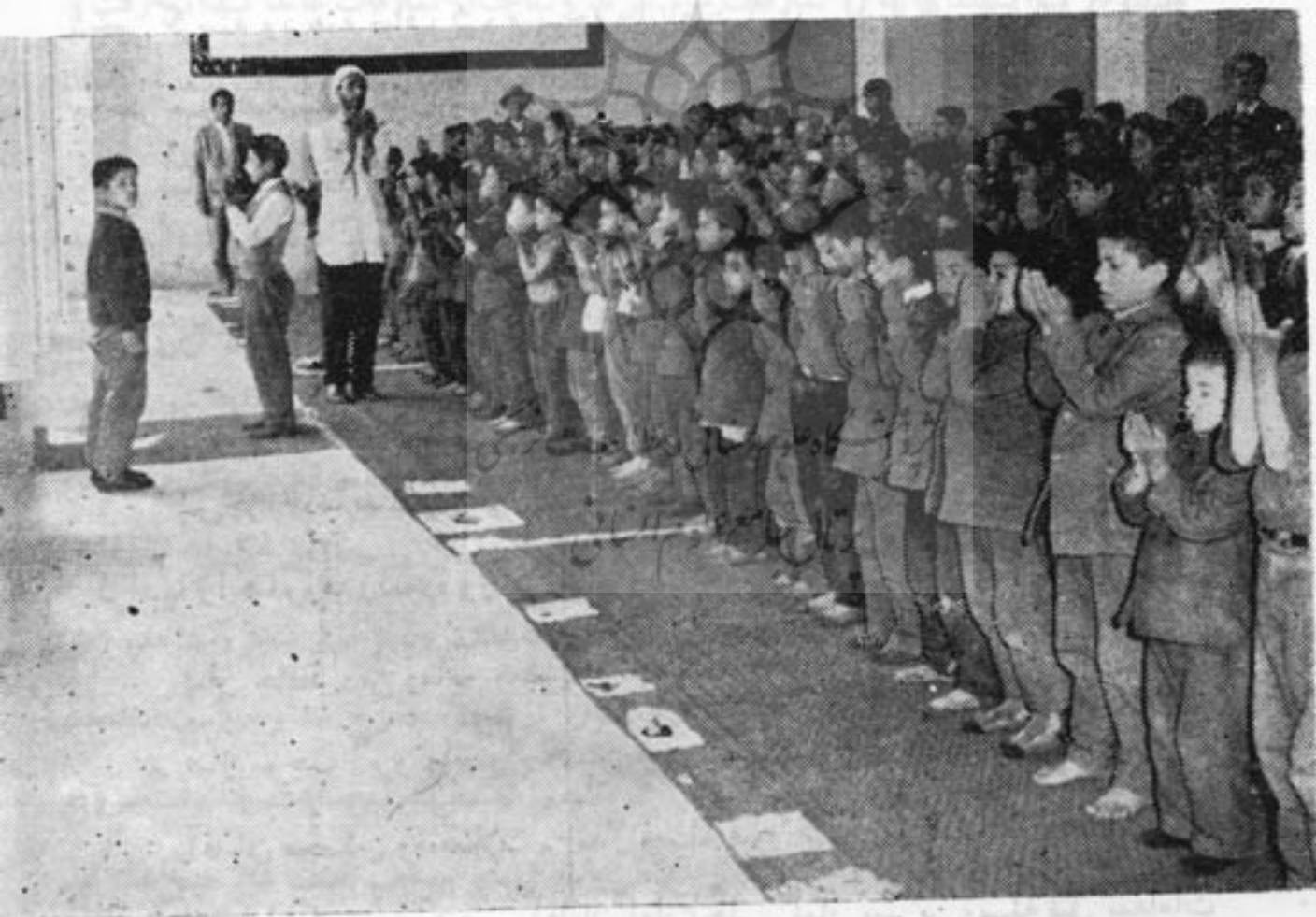
عالی است .

آقایان نظامی‌ها - نماز مهمترین وسیله ارتقاء بدرجات عالی نظامی است .
نمازکانون خانوادگی را گرم میکند - آقایان جوانان طالب ازدواج نماز دختران
خوشگل و پولدار را بشما متمایل میکند - دوشیزگان طالب ازدواج - نماز جوانان
دارای دکترای و لیسانس را که ثروت و ماشین هم دارند شیفته و عاشق بقرار شما میکند
از این نسخه مجرب استفاده کنید

من آنچه بلاغ است باتو میگویم

و شما انشاءالله از سخن نگارنده پند خواهید گرفت .

مدیر مجله - علی اکبر تشید



محصلین دبستان موقوفه منتظمی در حال قیام و قنوت